پانصد سی و شش از عالم رفته مجلس چهاردهم

مطلع جمال احدی شیخ اوحدی از مریدان حضرت شیخ اوحد الدین
کرمانیست در آن زمان شده که پس از اولیا در مجلس درس حضرت





شیخ فصوص الحکم میخوانده اند مثل شیخ عراقی و امیر حسینی
و شیخ سعید فرغانی و شیخ اوحدی از آن جمله است رجوانی حیدری

حاشیه

بلکه تمام از سر کار رفت و از رباعیات که در آن مجلس سماع بر خواند این است

هرچند نه در خورد توام میدانی خون شده پرورد توام میدانی

دلسوخته عشق توام می‌بینی ماتم زده درد توام میدانی

هم بر جانم این همه غم می‌بینی خون گشته دلم بصد ستم می‌بینی

نه روز نه روزگار نه دوست نه کس بیچاره چنین بمانده‌ام می‌بینی

دل چون دل من غمزده نتواند بود صد واقعه بر هم زده نتواند بود

تا شربت عالم نشود خونابه وقت من ماتم زده نتواند بود

در عشق توام هر نفس اندوه بس در درد توام دست رس اندوه بس

در تنهایی که یار باید همه کس کس نیست مرا بیکس اندوه بس

حالت شیخ بمرتبه در او اثر کرد که نام و ناموس را وداع کرد
در سماع رفت و جمعی از درویشان صاحب ذوق و شوق که
نظاره آن سرو سهی کردند فی الحال قالب تهی کردند در تاریخ